



اصالت وجود

وجود واژه‌ای است عربی که معنای حاصل مصدری دارد و معادل آن در فارسی «هستی» می‌باشد، هر چند استعمال واژه وجود نیز در فارسی رایج است.

فهرست مندرجات

- ۱ - مراد از اصالت وجود
- ۲ - سیر تاریخی و زمینه پیدایش
- ۳ - تبیین و استدلال
- ۴ - پانویس
- ۵ - منبع

مراد از اصالت وجود

مراد از اصالت وجود، این است که موجود بذات و منشا آثار در خارج، وجود اشیا است نه ماهیت آنها. توضیح این که ما از هر امر واقعیت دار، دو تصویر و دو مفهوم هستی (وجود) و مفهوم چیستی (ماهیت)؛ و از بین دو مفهوم، مفهوم وجود جنبه عینی و خارجی دارد و مفهوم ماهیت ساخته ذهن ما و جنبه اعتباری دارد. به عبارت دیگر از بین دو مفهوم وجود و ماهیت، تنها مفهوم وجود، مصداق و ما بزاء خارجی دارد اما مفهوم ماهیت از حد و حدود وجود انتزاع می‌شود.

^[۱] [نهایة الحکمة، طباطبائی، محمد حسین، ج ۱، ص ۴۳، تعلیقه غلامرضا فیاضی، قم، موسسه آموزش شی امام خمینی، ۱۳۷۸، چ ۱.](#)
اصالت، معنای دیگری نیز در بحث اصطلاحات فلسفی جدید دارد که آن معنی در اینجا مقصود نیست. و آن عبارت از تقم و اصل بودن در مقابل نتیجه بودن و فرع بودن است مثلاً گفته می‌شود آیا اصالت با ماده است یا روح؟

سیر تاریخی و زمینه پیدایش

[ارسطو](#) با تقسیم و دسته بندی موجودات، قائل به ده مقوله شد و تمامی موجودات را در این مقولات دهگانه جای داد اما خود ارسطو، مفهوم وجود را یک مفهوم عام می‌دانست که در هیچ کدام از این مقولات نمی‌گنجد بلکه شامل تمامی آنها می‌شود. بعدها [ابن سینا](#) در آثار خود عنوان کرد که وجود، عارض بر ماهیت است. مقصود ابن سینا این بود که مفهوم وجود، یک مفهوم عام و مشترکی است که در [تحلیل](#) ذهن بر ماهیت اشیا مختلف عارض (حمل) می‌شود.

^[۲] شرح الاشارات والتنبیها، نصیرالدین طوسی، محمد بن محمد، ج ۲، ص ۵۷۳، تصحیح حسن زاده آملی، قم، بوستان کتب، ۱۳۸۳، چ ۱.
تا این جا بحث جنبه ذهنی داشت و ناظر به رابطه بین مفهوم وجود و ماهیت اشیا بود تا این که [شیخ اشراق](#)، بر اعتباری بودن مفهوم وجود و این که مفهوم وجود نمی‌تواند مصداق خارجی داشته باشد، استدلال آورد. عمدتاً بر دلیل سهروردی این است که اگر مفهوم وجود اصیل باشد باید در خارج موجود و محقق باشد و موجود یعنی امری که دارای وجود است. نقل سخن در این وجود دوم می‌کنیم و می‌پرسیم آیا اصیل است یا نه؟ اگر اصیل باشد باید موجود باشد و دارای وجود، و باز همان سخن قبلی تکرار می‌شود و منجر به تسلسل می‌گردد. شیخ اشراق از این استدلال نتیجه می‌گیرد که وجود نمی‌تواند امر عینی و اصیل باشد.

^[۳] مجموعه مصنفات، سهروردی، یحیی بن حبیب، ج ۲، ص ۶۵، تصحیح هانری کرین، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی، ۱۳۸۰، چ ۳.
البته برخی از معاصرین این [استدلال](#) سهروردی را ناظر به این گرفته‌اند که مفهوم وجود یک [مفهوم ماهوی](#) نیست بلکه معقول ثانی است و این که به شیخ اشراق اصالت ماهیت نسبت داده می‌شود، یک اشتباه تاریخی است.

^[۴] شعاع اندیشه و شهود در فلسفه سهروردی، ابراهیمی دینانی، غلام حسین، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی.

بعدها در زمان میرداماد این پرسش به طور جدی مطرح شد که کدام یک از این دو مفهوم (وجود و ماهیت) ما به ازاء خارجی دارد و اصیل است. [میرداماد](#) ادله متعددی بر اصالت ماهیت اقامه کرد. [صدر المتألهین](#) که خود شاگرد میرداماد بود و سالها به تبع از استاد خود اصالت ماهیت را پذیرفته بود به یکباره از این نظر برگشت و قائل به اصالت وجود شد، او با اثبات اصالت وجود، بسیاری از مشکلات معرفتی و فلسفی را حل نمود و به جرأت می‌توان گفت: مسئله اصالت وجود زیر بنای تمام مسائل فلسفه صدرایی می‌باشد.

تبیین و استدلال

یکی از اصول متعارف و بدیهی در فلسفه، اصل «وجود واقعیت» می‌باشد. فیلسوف قبل از شروع در مسائل فلسفی وجود [واقعیت](#) را در عالم می‌پذیرد برخلاف سوفیست که منکر

واقعیت می‌باشد و همه چیز را خواب و خیال می‌انگارد. بعد از قبول اصل واقعیت و یافتن پاره‌ای از مظاهر آن مثل: من هستم، سفیدی هست، درخت هست، و...، این نکته روشن می‌شود که هر کدام از این اشیاء مغایر با هم هستند سنگ، درخت نیست و درخ، [انسان](#) نیست و...، ولی در عین حال، همه آنها در یک امر با یکدیگر شریکند و آن عبارت از موجود بودن و واقعیت داشتن در خارج است. بنابراین هر کس که به ذهن خود مراجعه کند یک جهت مغایر برای اشیاء موجود در ذهن می‌یابد که عبارت از چیستی آن هاست و یک جهت مشترک که عبارت از هستی وجود آنها می‌باشد.

[۱۵](#) شواهد الربوبية، شیرازی، صدرالدین محمد، ص ۹، تهران، بنیاد حکمت صدرا، ۱۳۸۲، چ ۱.

حال پرسش اساسی این است که [واقعیت خارجی](#)، مصداق و ما به ازاء کدام یک از این دو مفهوم است؟ روشن است که مصداق هر دو مفهوم، نمی‌تواند باشد. چون یک شیء نمی‌تواند مصداق دو مفهوم و دو حیثیت ذهنی باشد. پس یا وجود، امر واقعی است و ماهیت، ساخته [ذهن](#) بشر و یا این که ماهیت، امر واقعی است و وجود انتزاعی و ساخته ذهن. ما نسبت هر یک از وجود و ماهیت را با واقعی بودن و خارجی بودن می‌سنجیم، می‌بینیم که ماهیت (مثل انسان) در ذات خود به طوری است که هم صلاحیت موجود بودن و هم صلاحیت موجود نبودن را دارد. اما وجود و واقعیت، عین واقعی بودن و موجود بودن است و فرض واقعیت غیر واقعی و وجود غیر موجود، فرض امر محال است. پس وجود است که عین واقعی بودن و تشکیل دهنده خارج است و ماهیت، یک قالب ذهنی است برای وجود، که ذهن آن را از [حد](#) و حدود وجودهای خارجی انتزاع می‌کند.

[۱۶](#) اصول فلسفه و روش رئالیسم، طباطبائی، محمد حسین، ج ۱ و ۲ و ۳، ص ۳۸۲، پاورقی مرتضی مطهری، قم، دفتر انتشارات اسلامی.

پانویس

۱. [نهایة الحکمة، طباطبائی، محمد حسین، ج ۱، ص ۴۳، تعلیقه غلامرضا فیاضی، قم، موسسه آموزش شی امام خمینی، ۱۳۷۸، چ ۱.](#)
۲. [شرح الاشارات والتنبیہات، نصیرالدین طوسی، محمد بن محمد، ج ۲، ص ۵۷۳، تصحیح حسن زاده آملی، قم، بوستان کتب، ۱۳۸۳، چ ۱.](#)
۳. [مجموعه مصنفات، سهروردی، یحیی بن حبیب، ج ۲، ص ۶۵، تصحیح هانری کرین، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی، ۱۳۸۰، چ ۳.](#)
۴. [شعاع اندیشه و شهود در فلسفه سهروردی، ابراهیمی دینانی، غلام حسین، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی.](#)
۵. [شواهد الربوبية، شیرازی، صدرالدین محمد، ص ۹، تهران، بنیاد حکمت صدرا، ۱۳۸۲، چ ۱.](#)
۶. [اصول فلسفه و روش رئالیسم، طباطبائی، محمد حسین، ج ۱ و ۲ و ۳، ص ۳۸۲، پاورقی مرتضی مطهری، قم، دفتر انتشارات اسلامی.](#)

منبع

[سایت پژوه، برگرفته از مقاله «اصالت وجود».](#)